راهنمای دیدن پایتخت در نوروز ۱۳۹۶

قدم‌زدن در تهرانِ بهارزده

مهتاب جودکی| با این یکی می‌شود ۲۳۱ بهار. یعنی تاریخ اسکلت زن معروف هفت‌هزارساله را اگر کنار بگذاریم، ۲۳۱ سال است که اینجا، پایتخت شده و از آبادی کوچکی که روزی تهرانش می‌خواندند، خبری نیست، از روزگار بر تخت نشستن آقا محمدخان قاجار تا همین بهار و بهارهای درپیش. فرصت دیدن تهران دراین سال‌ها که برج‌ها در آسمانش قد کشیده و باغ‌ها یک به یک خشکیده و بازمانده‌ها درگوشه و کنار شهر کز کرده‌اند، خیلی فراهم نیست. صحبتِ وقتی است که دود سیاه شهر را خفه کرده، خیابان از فشار خودروهای ریز و درشت قفل شده و هیچ رهگذر عاشقی رغبت نمی‌کند که شهر را پیدا کند و از تمام قصه‌هایش سر دربیاورد. نوروز همین ساعتِ آرامش تهران است، ساعت‌های خلوتیِ دور از دلهره‌های معمول، بی‌خیالِ پریشانی دیررسیدن‌ها و درترافیک گیرکردن‌ها. عید و بهار درست همان وقتی است که می‌شود با دوستی وعده کرد به گشتن در شهر؛ به حوصله دیدش، حکایت روزها و شب‌هایش را شنید، غرق آبی‌های کاشی‌هایش شد و از سبزی باغ‌های به جامانده‌اش نفس گرفت: ابرهای سفید بر آسمان آبی سوار شده‌اند، کوه‌های شمال شهر پیداست؛ انگاری که فقط چند قدم تا آنها فاصله است و صدای عمو نوروز هم درشلوغی گم نمی‌شود: «عمو نوروزه، سالی یه روزه»

روایت تهران‌شدنِ تهران هم خود داستانی است که شاه‌طهماسب اول صفوی در سال ۹۱۶ خورشیدی، وقتی که از تهران گذر می‌کرد، شیفته باغ و بوستان‌های تهران شد و قصد ماندن کرد. همان وقت او به عدد سوره‌های قرآن ۱۱۴ برج و چهار دروازه رو به چهارسوی جهان اطراف بنا کرد تا این‌که چرخ روزگار چرخید و آقا محمدخان قاجار در ۲۲ اسفند یک‌هزار و ۱۶۴ خورشیدی، پایه‌های تخت سلطنت را دراین شهر کوبید و تهران را پایتخت خواند و در سال ۱۲۸۵ خورشیدی همزمان با دوران مشروطه این تصمیم، قانون شد. از آن دروازه‌های تاریخی حالا فقط نام‌ها مانده: دولاب، شمیران، قزوین و شاه‌عبدالعظیم. دور جهان گذشته تا به امروز که پای گردشگران به بیست‌وهفتمین شهر بزرگ دنیا باز شده تا این شهر را کشف کنند؛ کوچه‌های آشتی‌کنان و بن‌بست‌هایش، خیابان‌های بلند و سینماهاش، چهارهزار کافه تهران و دمنوش‌ها و قهوه‌هایش و باغ‌ها و موزه‌های مختلف و کاخ‌ها و عمارت‌هایش.

گذر کردن از سردر باغ ملی

تاریخ تهران قدیم را می‌توان پشت دروازه «میدان مشق» پیدا کرد، روی طاق‌نماهای آجری و کاشی کاری‌های رنگ به رنگ که تصویر نظامیان قاجار روی آن نقش شده است. باید از ایستگاه مترو امام خمینی پیاده گز کرد تا به باغ ملی رسید و درمسیر چندین و چند موزه و ساختمان تاریخی را پشت سر گذاشت. جایی که زمان فتحعلی‌شاه قاجار بنا شد تا قشون نظامی فنون مدرن را مشق کنند، بلکه شکست‌های دنباله‌دار ایران از ارتش روسیه جبران شود. قدیمی‌ترین ساختمان این مجموعه عمارت قزاقخانه است که به تاریخ ۱۲۸۰ هجری‌قمری در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه پی‌ریزی شده و جدیدترین آن کتابخانه و موزه ملی ملک که اولویت موزه خصوصی ایران است و ۱۵ سال از عمرش می‌گذرد. درحصار همین میدان می‌توان «توپ مرواری» معروف را دید که صادق هدایت، نویسنده نامدار قصه‌ای درباره‌اش نوشته و زمانی وسط میدان «توپخانه» بود. در ۱۳۰۱ خورشیدی ساختمان تازه تأسیس بلدیه (شهرداری)، محل میدان مشق را به باغ و پارکی بزرگ تبدیل کرد که «باغ ملی» نام گرفت و سردر کاشی کاری همان‌وقت ساخته شد.

وزارت امور خارجه که دفتر به جز ساختمان شهربانی و پستخانه که حالا موزه پست و تلگراف شده و ساختمان وزارت امور خارجه هم درهمین میدان است. درست درهمسایگی این میدان هم موزه ایران باستان قرار گرفته که همیشه حرف تازه‌ای از تاریخ ایران دارد.

میدان مشق تنها میدانی است که برای ورود به آن باید از سردر باغ ملی گذر کرد. از دیدن این‌جا نه فقط برای معماری و موزه‌هایش، بلکه به خاطر هویت تاریخی‌اش نباید گذشت؛ که نخستین هواپیما در دوران جنگ جهانی اول همین‌جا فرود آمد، نمایش‌های دوچرخه‌سواری و موتورسواری برای نخستین‌بار این‌جا برگزار شد، سال ۱۳۱۴ درست وسط همین میدان میرزا رضا کرمانی، ضارب ناصرالدین‌شاه پیش چشم پنج‌هزار نفر از اهالی تهران اعدام شد و جسدش دو روز تمام بر دار ماند و حتی شیخ‌فضل‌الله نوری هم همین‌جا به دار آویخته شد.

اعیانی‌ترین خانه دنیا، بیخ گوش تهران

بین خانه‌ها و مغازه‌های کوچک و بزرگ میدان حسن‌آباد، «موزه مقدم» گم شده است، اما اگر پیدا شود، محال است که از فکرش بیرون بیاید. فقط کافی است عکس‌های این خانه را ببینید؛ ساختمان اربابی، ایوان قاجاری، پلکان مارپیچ، دیوار تجدد، حوض ژاپنی و ستون‌هایی که از کاخ خواهر ناصرالدین‌شاه به این خانه اضافه شده است. این‌جا را گران‌ترین خانه جهان معرفی می‌کنند. بنایی که محمدتقی‌خان احتساب‌الملک، یکی از درباریان قاجاری برای دوپسرش به جای گذاشت؛ حسن که نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده» را نوشته، در جوانی از دنیا رفت و محسن در رشته‌های نقاشی، تاریخ هنر و باستان‌شناسی تحصیل کرد و ۱۳۱۵ هجری شمسی با همسرش «سلما» در این خانه قاجاری ساکن شد. استاد محسن مقدم از نخستین باستان‌شناسان ایرانی و استاد ممتاز دانشگاه تهران بود، با همسرش در کنار فعالیت علمی بنا کرد به گردآوردن آثار فاخر ایرانی درخانه. این‌جا سرانجام ۴۵ سال پیش وقف دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۷۹ با شماره ۲۹۲۹ در فهرست آثار ملی جای گرفت.

همین که به موزه مقدم پا بگذارید، محو زیبایی‌اش می‌شوید؛ حوض و ماهی قرمز و نیلوفر آبی و گل مرداب. آدرس موزه مقدم از این قرار است: خیابان امام خمینی، بین خیابان شیخ‌هادی و ولیعصر، کنار بانک ملت، پلاک ۲۴۹.

فیلم‌دیدن در ییلاق شاهان قاجار

باغ و عمارت فردوس از عصر قاجار، ییلاق‌نشین شاهان بوده است که موزه سینما هم ضمیمه آن شده و هم فال است، هم تماشا. برای رسیدن به گچبری‌ها و ستون‌هایی گرد و قطوری که دور تا دور عمارت نقش زده، باید کمی زیر سایه درختان پیاده پیش رفت. کم‌کم مجسمه‌های برنزی سهروردی و ابن هیثم (نخستین دانشمند فیزیک نور جهان) به چشم می‌آید و جلوتر می‌شود از کتابفروشی حوض نقره و غرفه‌های صنایع دستی فیض برد و در کافه سینما و کافه‌ویونا هم قهوه‌ای چشید.

پانزده‌سالی است که با راه افتادن موزه سینما، باغ فردوس بدل شده به یکی از مراکز فرهنگی و هنری شهر به‌جز تجهیزات قدیمی فیلمسازی و فیلمبرداری و جوایز مختلف سینمای ایران و عکس‌ها و خاطرات سینمای ایران، نخستین تصویرسازی‌ها از شاهنامه و عروسک‌های خاطره‌ساز کودکی‌هایمان هم به نمایش درآمده است. باغ فردوس برای نمایش فیلم دو سالن دارد و نام فیلم‌ها را می‌توان از تابلوهای نصب شده در محوطه باغ خواند و به سمت ضلع شرقی عمارت پیش رفت. علاوه بر معماری شگفت‌انگیز گچبری‌های سقف سالن سینما، آنچه خاصِ سینمای باغ فردوس است، سکوت و آرامش عجیبِ آن برای دیدن فیلم است.

برای آمدن به باغ فردوس، چنارهای کهنسال بهترین راهنماها هستند. یا خیابان ولیعصر که چنارهایش یک‌درمیان قطع شده را بالا بیایید، بالاتر از سه‌راه زعفرانیه، انتهای خیابان باغ فردوس، ضلع شرقی خیابان. یا اینکه از میدان تجریش خیابان ولیعصر را کمی به سمت جنوب رد کنید؛ باغ موزه سینما پیش روی شماست و چند کافه برای شکم سیر کردن هم هست، در راسته‌ای که به ورودی باغ می‌رسد.

گورگردی در پایتختِ زنده

گورگردی هنوز بین ایرانیان طرفداران زیادی ندارد اما گورستان‌های عجیب و دیدنی هست که باید زنده ماند و آنها را دید. از میان چندین گورستان پایتخت «ابن‌بابویه» زشناخته‌شده‌هاست؛ گورستان ۲۰۰ ساله‌ای که نامش را از دانشمند قرن چهارم، شیخ صدوق؛ معروف به ابن‌بابویه گرفته و نخستین گورستان شهرری است. بعد از کشف جسد شیخ صدوق در زمان فتحعلی‌شاه قاجار و ساخت بقعه او بود که این‌جا به‌عنوان گورستان رونق گرفت و پس از آن بسیاری از نام‌آوران در آن آرمیدند. با این‌که گورستان ابن‌بابویه نیز در سال ۱۳۷۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید، حدود ۱۷ سال پیش بود که بسیاری از آرامگاه‌های خانوادگی، از جمله آرامگاه‌های خانوادگی امیراعلم، دهخدا و زراندوز به بهانه ساخت باغ مشاهیر تخریب شدند و نه باغ مشاهیری ساخته شد و نه مقبره‌های تخریب‌شده بازسازی شدند. از ایستگاه متروی شهرری با اتوبوس‌های دولت‌آباد می‌توان به در اصلی این گورستان رسید؛ جایی که میرزاده عشقی، شاعر مشهور مشروطه؛ سیدحسین فاطمی، وزیر خارجه دکتر محمدمصدق و مدیر روزنامه باختر امروز؛ سیداشرف‌الدین حسینی گیلانی، شاعر ملی دوران مشروطه و مدیر روزنامه نسیم شمال و جهان‌پهلوان تختی در آن آرام گرفته‌اند و گلزار شهدای ۳۰ تیر و شهدای موتلفه هم در آن جای گرفته‌است.

گورستان قدیمی ظهیرالدوله در خیابان دربند تهران هم آرامستان دیگری است که درخت‌هایش تا آسمان قد کشیده است. داستان از این قرار است که بعد از مرگ علی‌خان ظهیرالدوله در دوره قاجار، او در گورستانی کهن بین امامزاده قاسم و تجریش در زیر درختی دفن شد و بعدها، آن گورستان عمومی حصارکشی و رفته‌رفته باغ و خانقاه ظهیرالدوله به گورستان بدل شد. بعد از این دیگر هنرمندان و سیاستمداران وصیت کردند که این‌جا به خاک سپرده شوند تا این‌که از سال ۱۳۴۰ دفن اموات در این منطقه ممنوع شد. ملک‌الشعرای بهار، رهی‌معیری، ایرج‌میرزا، غلامحسین درویش‌خان، رضا محجوبی، حسین یاحقی، قمرالملوک وزیری و حسین یاسمی از چهره‌های سرشناس آرمیده در این گورستان‌اند. این‌جا که در سال ۱۳۷۷ در فهرست آثار ملی ثبت شد، شهرت خود را مدیون بزرگان ادب، هنر و آزادیخواهان است و در دو روز پنجشنبه و جمعه از ساعت ۹ تا ۱۶ بعد از ظهر برای بازدید باز است.

«دولاب» هم یکی از تاریخی‌ترین‌هاست؛ گورستان کاتولیک لهستانی‌های تهران که قبر ۴۰۹ سرباز و ۵۲۸ تن غیرنظامی را در خود جای داده و تاریخ کهنی دارد. سیلویالوییجی، عکاسی که در عصر قاجار از بازار تهران عکاسی کرد، نیکولاس؛ برگرداننده رباعیات خیام به زبان فرانسوی، پرودسکی؛ تندیس‌ساز لهستانی، اسپرلینگ ماریا؛ مسافری که سوار کشتی تایتانیک نشد و از حادثه نجات پیدا کرد و ۲۲۰۰ سرباز لهستانی جنگ جهانی دوم در این‌جا آرام گرفته‌اند.

یک فنجان قهوه در زندان

آن زمان که در دومین سال سلطنت فتحعلی شاه (۱۱۷۶ه.ش)، اندرونی و بیرونی، باغ و کلاه فرنگی خارج از محدوده شهر ساخته و به «قصر» معروف شد، کسی فکر نمی‌کرد که اینجا روزگاری یکی از مخوف‌ترین زندان‌ها باشد و حتی وقتی که زندانیان اینجا حبس می‌کشیدند و «آب خنک» می‌خوردند، به خیالشان نمی‌رسید روزی آدمی امروزی، اینجا قراری بگذارد و بنشیند به نوشیدن قهوه. قرار نبود که «قصر» زندان بشود و قرار نبود که دیوارهای بلندش فرو بریزد و موزه شود. درباره قصر جالب آنکه سازنده‌اش نخستین زندانی آن شد. حسین مکی در کتاب تاریخ بیست‌ساله ایران نوشته که «اولین زندانی زندان قصر، سازنده آن یعنی سرتیپ درگاهی بود. او تنها دو روز پس از همراهی رضا شاه در مراسم افتتاح زندان، در همان زندان محبوس شد.»

از اواخر حکومت ناصرالدین شاه بود که با دلبری «کاخ گلستان»، «قصر» کارایی اصلی‌اش را از دست داد و در ۱۲۸۴ ه.ش زیر باران و سیلاب ویران شد. روزگار گذشت و پهلوی اول، برای حبس معترضان و زندانیان سیاسی قصر را در نظر گرفت و نخستین زندان متمرکز را بنا کرد. به تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۸ برای حبس ۸۰۰ نفر زندانی ساخته شد و پهلوی دوم هم ساختمان‌های دیگری به آن اضافه کرد؛ از جمله ساختمان سیاسی؛ جایی که خیلی از مبارزان و مخالفان رژیم پهلوی در آن حبس کشیدند. حالا در ساختمان موزه در هر سلول نشانی است از سال‌های مبارزه؛ از محمد فرخی یزدی که روی دیوار می‌نویسد: «من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید...»، روحانیون مبارز، عبدالحسین تیمورتاش، بزرگ علوی و علیمردان خان بختیاری و پنجاه و سه نفر...

تمام این مجموعه بزرگ که معماری ویژه‌ای هم دارد، به کافه و کتابخانه و آمفی‌تئاتر و گالری تبدیل شده و از این میان عمارت مارکوف و زندان سیاسی شکل خود را حفظ کرده است. در باغ موزه قصر به جز نیایشگاه، زورخانه و مرکز اسناد، مراکز فروش محصولات فرهنگی، کافی‌شاپ و رستوران هم پا گرفته و بنا شده در سال ۱۳۹۶ «القانطه» نخستین کافه تهران هم در فضای قصر و با همان حال و هوای کافه صدسال پیش احیا شود.

عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

کهن‌دیار تهران؛ مُلک ری

ری تنها منطقه باستانی تهران است به قدمت سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح. شهر ری که حالا در ۱۴ کیلومتری تهران کز کرده، از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و جهان است. تاریخ پیدایش اینجا به اقوام آریایی می‌رسد؛ شهری بزرگ‌تر از تمام شهرهای ماد. ساکنان ری را رازی می‌خوانند مثل زکریای رازی کاشف الکل و ری که یعنی شهر سلطنتی، زمانی پایتخت ایران بود و نام‌های دیگری داشت؛ مثلا راگا. برای دیدن ری بهانه کم نیست از بقعه ۸۰۰ ساله شاه عبدالعظیم حسنی که مقصد بسیاری از گردشگران مذهبی است تا برج طغرل و استودان‌ها و برج و باروی ری.

در کنار بازار تجریش که برای تهرانی‌ها شناخته شده است، ری هم بازاری ۵۰۰ ساله دارد. بازاری که در مسیر صحن حرم عبدالعظیم قرار گرفته و در میانه‌اش پوششی گنبدی دارد. گردشگران زیادی جذب کهنه بازار ری می‌شوند، آنجا در کنار اجناسی که در این سال‌ها به آن اضافه شده؛ ادویه و داروهای گیاهی می‌خرند و مهر و سجاده و تسبیح و نقره‌جات.

در ری، چشمه علی یا «چشمه سورن» سال‌هاست که می‌جوشد، هرچند کم‌رمق‌تر از زمانی که اهالی شهر عید به عید فرش‌هایشان را در آن می‌شستند و تابستان‌ها تنی به آبش می‌زدند. بالای این چشمه هشت‌هزار ساله که برج طغرل، دژ رشکان و ابن بابویه از آن چندان دور نیست، سنگ تراشه فتحعلی‌شاه نقش شده و صندلی که فتحعلی‌شاه خسته که می‌شد روی آن می‌نشست تا در زمان تراشیدن سنگ، ناظر و حاضر باشد.

آتشکده بهرام، دژ رشکان، کاروانسرای شاه عباسی، کوه نقارخانه، گنبد اینانج (گورستان سلطنتی)، زندان هارون، تپه میل (آتشکده ری) و قلعه گبری از مکان‌های دیدنی دیگر این شهر است. دورتر از اینجا می‌شود به تالاب عشق‌آباد سر زد و پرنده‌ها را دید.

در روزهای تعطیل و سفرهایی که در پیش داریم

از کجا، چی بخریم؟

شهروند| اسفند در سرازیری است. هوا کم‌کم آرام می‌شود و مهربان‌تر. بیشتر از ۱۴ روز تعطیلی، فرصت خیلی خوبی است برای استراحت و تفریح آدم‌ها. حالا همه آماده‌اند روزِ نو را جشن بگیرند، بعضی‌ها دید و بازدید دارند، بعضی‌ها قصد مسافرت و بعضی‌ها هم هر دو؛ از شمال سرسبز تا جنوب گرم و از غرب برفی و کوهستانی تا شرق آفتابی. سفر به شهرها، مناطق بکر و نادیده ایران برای همه شیرین است، اما شیرین‌تر و جذاب‌تر خرید سوغاتی و صنایع‌دستی استان‌هاست که تا سال‌های سال می‌تواند خاطره آن سفر را زنده نگه دارد، صنایعی که در این گزارش از بعضی استان‌ها و شهرهای کشور معرفی شد تا اگر به آن‌جا سری زدید، حواستان به هنر دستی مردم مناطق مختلف ایران باشد.

صنایع‌دستی اصفهان

اصفهان در میان سایر شهرهای ایران آثار و صنایع‌دستی معروفی دارد که سیم‌کشی، زرکشی، زربافی، گلابتون‌دوزی، پولک‌دوزی، زنجیره‌بافی، قلمزنی، قالی، نقره‌سازی، نمدمالی، سفال و سرامیک، صنایع نساجی و دوختنی‌های روی پارچه از نمونه‌های رایج آن است که در دوره صفویه رواج زیادی داشته و طرح‌ها و نقش‌ها هم اقتباس از همان دوره است. قلمکارسازی، خاتم‌سازی اصفهان، منبت‌کاری از جمله صنایع‌دستی ویژه این استان است؛ قلمکاری‌هایی روی پارچه، خاتم‌هایی که نقش‌های هندسی دارد و کنده‌کاری‌هایی که روی چوب انجام می‌شود و بیشتر در گلپایگان و اصفهان یافت می‌شود. کاشی‌سازی، طلاکوبی روی فولاد، سوزن‌دوزی، صحافی و فیروزه‌کوبی را هم می‌توانید از بازار صنایع‌دستی شهرهای این استان پیدا کنید.

صنایع‌دستی آذربایجان‌غربی

به آذربایجان‌غربی که رفتید جز معرق‌کاری، منبت‌کاری، ریزه‌کاری، سفالگری، جاجیم و گلیم، منجیق‌دوزی، چادرهای کتانی، حصیر و سبد، جوراب‌های پشمی عرقچین و شال گردن و کلاه می‌توانید در بازار ظروف چوبی آن هم از جنس چوب‌های جنگلی پیدا کنید و برای آشنایانتان سوغات ببرید. فرش تکاب، خوی و ارومیه هم که دیگر گفتن ندارد؛ آن‌قدر ویژگی داشته است که جایگاه ویژه‌ای در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی ایران پیدا کرده است. زنان و دختران این استان هم در زمینه «ممقان‌دوزی» مهارت دارند و اگر سری به بازارها بزنید، حتما تنوع طرح‌ها و رنگ‌ها را می‌بینید.

صنایع‌دستی استان اردبیل

صنایع‌دستی استان اردبیل بیشتر هنر دست عشایر و ساکنان شهرها و روستاهای کوچک منطقه است و باز هم قالی‌بافی، گلیم‌بافی و جاجیم‌بافی اهمیت ویژه‌ای در میان صنایع‌دستی استان دارد که نقشه شکسته و اسلیمی زمینه بیشتر این فرش‌ها را شکل می‌دهد. شال، جوراب‌های پشمی، پشتی، قلاب‌دوزی، خورجین، نقره‌های کارشده، قلمزنی، خاتم‌کاری، صنایع چوبی و فلزی و سفالگری موارد دیگری است که در بازارهای این استان دیده می‌شود اما اگر به خلخال رسیدید و جاجیم اصل ابریشمی را یافتید آن را از دست ندهید چون حالا جزو اشیای عتیقه‌است.

صنایع‌دستی استان بوشهر

سوغاتی‌های بوشهر با خاطره نخل و دریا گره خورده است یعنی یا از بقایای موجودات دریایی است یا شاخ و برگ نخل. جعبه‌ها، عروسک‌ها و گوشواره‌هایی که با صدف ساخته شده‌اند از نمونه‌های جذاب صنایع‌دستی این شهر جنوبی ایران است که همراه انواع عبا، فرش، گلیم، گبه، گرگور (از وسایل صید ماهی)، بادبزن، کپر (چادر) و حصیر به جذابیت‌های آن می‌افزاید. محصولات حصیری دیگری هم در روستاهای استان بوشهر تولید می‌شود مثل تویزه یا جانانی، مخرف که نوعی زنبیل کوچک است، کلاه حصیری تلی که ظرف مناسبی برای نگهداری حبوبات و غلات است، زیر داغی، کپو، چاکان که سبد جمع‌آوری خرما و یا کپه ترازو. دلوچه هم مخزن مخروطی آب است که از پوست حیوانات ساخته شده و آب را خنک می‌کند که احتمالا یکی از سوغاتی‌هایی است که در فصل تابستان کارایی زیادی دارد.

صنایع‌دستی ایلام

گلیم‌های گل‌برجسته از سوغاتی‌های ویژه استان ایلام است که در کنار قالیچه‌های ابریشمی و کرکی زیر دست زنان هنرمند عشایر ایلام بافته می‌شود به علاوه انواع موج و شال کردی. نمدمالی هم که به دلیل جذب رطوبت معروف است، به راحتی قابل حمل است و دوام زیادی هم دارد صنایع‌دستی دیگری است که در این استان یافت می‌شود که محصولات تولیدی آن جلیقه چوپانی یا فرش نمدی است. چوب سیگار و قوطی سیگار که روی چوب درخت «کیکم» به شکل هنرمندانه‌ای خراطی شده است و در شهرهای مهران و ایوان بیشتر می‌توانید آن را پیدا کنید. به مغازه‌های زرگری هم سری بزنید که زیورآلات ایلامی نقره جلوه‌های خاصی دارد که البته بی‌شباهت به جواهرات ترکمن‌هلیست.

فارس

تاریخی‌ترین و یکی از توریست‌پذیرترین استان‌های ایران، هنر دست مردمش را هیچ‌گاه به تاریخ نسپرده است. قالی، گلیم و گبه از مهم‌ترین صنایع دستی پهناورترین استان جنوبی کشورند و پس از آن باید از خاتم، خاتم‌سازی و خاتم‌کاری و معرق‌کاری روی چوب، منبت‌کاری چوب، نقاشی روی چوب و سفال و سرامیک، کاشی معرق و کاشی هفت‌رنگ یاد کرد. رنگرزی گیاهی و استفاده از مواد ملونه طبیعی در رنگرزی خامه و ابریشم نیز کاری پررونق در استان فارس است. در زمینه فلزکاری و هنرهای مرتبط با فلز هم می‌توان از آثار قلمزنی روی نقره یاد کرد. دوخت لباس‌های محلی، عروسک‌سازی، پیکرتراشی، نمدمالی، رودوزی‌های سنتی، بافتنی، نقشه‌کشی فرش و گلیم هم به‌دلیل وجود و حضور قومیت‌های مختلف همچون لر، ترک قشقایی، لارستانی، سیوندی، دوانی، اردکانی و عرب‌های خمسه همیشه در این استان زنده بودند.

قزوین

اگر به استان قزوین، رنگین‌کمان اقوام، سفر می‌کنید در کنار قالی و گلیم‌ها، موج‌بافی اقوام فارس، گیلک و آذری را به یاد داشته باشید؛ گلیمی که در دو تکه هم‌اندازه و به شیوه اریب‌بافی متعادل و با طرح جناغی بافته و پس از آن به یکدیگر دوخته می‌شوند و انتهای موج را با منگوله تزیین می‌دهند. در کنار نگارگری قزوین که خود صاحب مکتبی در این هنر است، این استان از دیرباز مهد پرورش بزرگان خوشنویسی کشور بوده است. برگشتن از پایتخت خوشنویسی ایران با تابلویی از این هنر، نوروز ۹۶ و قزوین را در یاد و خانه شما ماندگار می‌کند.

کردستان

دیار مردمان کُرد که نوروز را بیش و پیش از هر استان دیگری جشن می‌گیرند، سرزمین تنوع هنر و سلیقه هم هست. سوغاتی از نازک‌کاری چوب، دست‌بافی، خراطی، ساخت زینت‌آلات محلی، سوزن‌دوزی و روکاری، سفال‌سازی، حصیربافی، گیوه‌دوزی، نمدمالی و محصولات چرمی را می‌توانید از کردستان به خانه خود بیاورید اما سازهای دست‌ساز هنرمندان این استان در نوع خود بی‌نظیرند. دف، دیوان، تار، سه‌تار، ویولن، قانون و سنتور را کردستانی‌ها به‌گونه‌ای می‌سازند که هدف بسیاری از مسافران خرید این آلات موسیقی ایرانی است.

گلستان

جنگل‌های گلستان و سبک زیست متفاوت عشایر ترکمن، امسال هم درصد زیادی از ایرانیان را به سمت این استان شمالی می‌کشاند. به هر شهر و روستایی از گلستان که می‌روید قالی و فرش ترکمنی را در برنامه بازدید و خرید خود بگذارید. استان گلستان مهم‌ترین قطب تولید فرش ترکمنی، قالیچه، پشتی، قارچین، گلیم و نمدبافی است. علاوه‌بر این گلدوزی، سوزن‌دوزی، ابریشم‌دوزی بر پارچه، زیورآلات ترکمنی، آلات موسیقی، سبدبافی، شال و روسری ترکمنی را می‌توانید از بازار دایمی و قدیمی گرگان که داخل بافت قدیمی این شهر قرار دارد، بخرید. بازارهای روزهای هفتگی هم از مهم‌ترین مراکز عرضه صنایع دستی این استانند که در ایام نوروز پررونق‌تر از همیشه‌اند.

سیستان‌وبلوچستان

وسیع‌ترین استان ایران ترکیبی از شهرها و روستاهایی با فرهنگ مختلف و متفاوت است که به‌دلیل بافت قبیله‌ای و طایفه‌ای در بعضی از روستاها، صنایع‌دستی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی آنها بوده است. در ابتدای ورود به این استان، هنری در جای‌جای شهرها و روستاها و در لباس زنان این استان دیده می‌شود؛ سوزن‌دوزی بلوچ. دختران در روستاها و حتی قبل از ورود به مدرسه با این هنر آشنا می‌شوند و تا میانسالی با آن در ارتباطند. اگر به این استان سفر کردید در کنار لباس‌های پررنگ‌ونگار، سکه‌دوزی‌های مردم این دیار را برای آویختن به دیوار یا تزیین تختخواب، سفال کلپورگان سراوان که در ۳۰ کیلومتری شهرستان سراوان واقع شده و همچنین قالی‌های دست‌ساز با طرح و رنگ‌هایی متفاوت از دیگر نقاط کشور را فراموش نکنید.